فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی ۱، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۶۰-۳۶

مقاله پژوهشی

رابطهٔ قربانی قلدری با افسردگی بر اساس نقش تعدیلگر سبک دلبستگی والدین در کودکان ده تا دوازده سال شهرستان فلاورجان[1]

مصطفی احمدی دارانی[2]؛ مهناز عدالت پناه[3]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

چکیده

امروزه قلدری و روش‌های پیشگیری و کنترل آن مورد توجه عموم پژوهشگران حوزهٔ تعلیم و تربیت قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطهٔ قربانی قلدری با افسردگی بر اساس نقش تعدیلگر سبک دلبستگی والدین در کودکان ده تا دوازده سال شهرستان فلاورجان است. جامعهٔ مورد مطالعه در پژوهش حاضر شامل همهٔ دانش آموزان ده تا دوازده سالهٔ مدارس شهرستان فلاورجان با حدود یازده هزار نفر دانش آموز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ می‌باشد. تعداد ۳۷۴ نفر از طریق جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری در دسترس برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات، از مقیاس قربانی قلدری کالیفرنیا، پرسشنامهٔ افسردگی کودکان ماریا کواکس و پرسشنامه سبک دلبستگی هازان و شیور بهره گرفته شده است. مدل مفهومی تحقیق با استفاده از تحلیل مسیر برازش یافت که با استفاده از نرم افزار AMOS نسخهٔ ۲۴ انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که بین متغیر قربانی قلدری و افسردگی ($p<0/05$)

---

[1] . مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد از مؤسسهٔ آموزش عالی هشت بهشت اصفهان با عنوان (رابطهٔ قربانی قلدری با افسردگی و عزت نفس بر اساس نقش تعدیلگر دلبستگی والدین در کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال شهرستان فلاورجان) می‌باشد.

[2] . کارشناسی ارشد گروه روانشناسی، مؤسسهٔ آموزش عالی غیر انتفاعی هشت بهشت اصفهان پویا، اصفهان، ایران.

ahmadiamin719@gmail.com

[3] . استادیار گروه روانشناسی، مؤسسهٔ آموزش عالی غیر انتفاعی هشت بهشت اصفهان پویا، اصفهان، ایران (نویسندهٔ مسؤول). 8behesht.faculty@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

رابطهٔ معنی‌دار وجود دارد و همچنین بین افسردگی کودکان و سبک دلبستگی والدین ($p<0/05$)، رابطهٔ معنی‌دار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: افسردگی؛ سبک دلبستگی والدین؛ قربانی قلدری؛ کودکان.

مقدمه و طرح مسأله

از دیدگاه جامعه‌شناسی، قلدری[4] یک مسألهٔ اجتماعی است که می‌تواند به تحریف فرهنگ جامعه منجر شود. این پدیده باعث می‌شود کودکان قربانی قلدری[5] احساس طرد شدن و انزوا کنند که این امر به نوبهٔ خود می‌تواند به کاهش تعاملات اجتماعی و افزایش حس بی‌ارزشی منجر شود (جینی و پوزولی[6]، ۲۰۲۲). مطالعات دیگر نشان داده‌اند که اثرات قلدری می‌تواند تا بزرگسالی ادامه یابد و حتی در روابط و رفتارهای اجتماعی آتی فرد نیز تأثیرگذار باشد (تتوفی و همکاران[7]، ۲۰۲۱). قلدری به صورت مستقیم شامل به کار بردن رفتاری آشکار و مشخص است که حامل خشونت است و از سمت فرد قلدر به سوی قربانی شکل می‌گیرد (پاییز[8]، ۲۰۲۰). قلدری را می‌توان به نوعی تعامل اجتماعی دانست که بر مدرسه و جامعه نیز اثرگذار است. همچنین رفتار فرد قلدر و طرف قربانی، وابسته به محیط و فضای عاطفی حاکم بر مدرسه است. قلدری نوعی پرخاشگری محسوب می‌شود و اکثرا بدون دلیل واضح و تحریک پیشین صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، پژوهشگران دیگر نیز بر این باورند مقولهٔ قلدری چهار ویژگی برجسته دارد. این مشخصه‌ها عبارتند از: عامدانه و به دفعات انجام می‌شود، یک عدم توازن قدرت بین قلدر و قربانی وجود دارد، دارای انواع فیزیکی، روانی، کلامی و اجتماعی است و هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم صورت می‌پذیرد.

در تحقیقات مرتبط، قلدری به صورت فیزیکی (کتک زدن، هل دادن، تف کردن)، کلامی (توهین، تخصیص نام مستعار)، پرخاشگری اجتماعی (حذف اجتماعی مستقیم یا غیرمستقیم، شایعه پراکنی، طرد کردن و طرد کردن از بازی)، تهدید (از طریق رفتار یا بیان) و آزار و اذیت اینترنتی (از طریق رسانه‌های دیجیتال) طبقه‌بندی دیگری در مورد قلدری است (اسمیت و جونز[9]، ۲۰۰۴). افزون بر این، قلدری در مدرسه، نتایج و تبعات گوناگون روان‌شناختی، تحصیلی و

[4] Bullying
[5] Bullying victim
[6] Gini and Pozzol
[7] Ttofi
[8] Paez
[9]. Smith and Jones

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

اجتماعی را با خود به همراه خواهد داشت (لی و لی[۱۰]، ۲۰۲۰). قلدری می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد که فراوانی آن با توجه به جنس و سن متفاوت است. اما در پژوهش حاضر، افرادی مورد نظر هستند که قربانی قلدرها و رفتار قلدرمآبانه می‌شوند. در طرف مقابل قلدرها، قربانیان قلدری قرار می‌گیرند که پس از تحت آزار قرار گرفتن توسط قلدرها، اغلب دچار احساس شرمساری، آشفتگی هیجانی و رنجش خاطر می‌شوند به گونه‌ای که باعث می‌شود از دوستانشان جدا بمانند؛ حساسیت زیادی نسبت به بسیاری از موارد پیدا کنند؛ دچار مالیخولیا می‌شوند و حتی افکار خودکشی را در سر بپرورانند (دوینگرام، وهاب و هاریانتو[۱۱]، ۲۰۲۰).

دورهٔ دوم مقطع ابتدایی که عموماً کودکان بین سن ده تا دوازده ساله را در بر می‌گیرد، یکی از بحرانی‌ترین مراحل رشد روانی و اجتماعی کودکان است (برک[۱۲]، ۱۳۸۷). در این دوره، کودکان با تغییرات جسمانی، شناختی و اجتماعی مهمی روبه‌رو می‌شوند. تغییرات سریع در رشد جسمانی و شناختی، همراه با فشارهای اجتماعی و نیاز به پذیرش همسالان، می‌تواند بر سلامت روانی و عزت نفس کودکان تأثیر منفی بگذارد (اکلس[۱۳]، ۲۰۲۰). تأثیر همسالان و تمایل به هم‌شکلی و همنوایی با آنان در این دوره به شدت افزایش می‌یابد. این مسأله می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات متعددی مانند اضطراب، افسردگی و نگرانی از ظاهر بدن شود (راین و شین[۱۴]، ۲۰۲۱). ارتباطات اجتماعی در این سنین اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و فشارهای ناشی از دوستی‌ها و رقابت‌های همسالان می‌تواند به رفتارهای تحقیرآمیز، استرس و پرخاشگری منجر شود (ونتزل و مانسک[۱۵]، ۲۰۱۹).

قربانی قلدری شدن در این دوره می‌تواند عواقب جدی به خصوص برای کودکان به دنبال داشته باشد. این کودکان اغلب با احساس ترس و انزوا مواجه می‌شوند و ممکن است دچار کاهش اعتماد به نفس و افسردگی شوند (کاپلند[۱۶]، ۲۰۲۱). همچنین، قربانی قلدری شدن می‌تواند به ایجاد حس ناتوانی و بی‌ارزشی در کودکان منجر شود که اثرات آن تا بزرگسالی ادامه داشته باشد (الوئوس[۱۷]، ۲۰۲۲). افزایش حس ناتوانی و بی‌ارزشی در کودکان می‌تواند منجر به مشکلات اجتماعی و روان‌شناختی طولانی‌مدتی شود. کودکانی که احساس ناتوانی و بی‌ارزشی دارند،

[10] Li and Li
[11] Dwiningrum, Wahab and Haryanto
[12] Berk
[13] Eccles
[14] Ryan and Shin
[15] Wentzel & Muenks
[16] Copland
[17] Olweus

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

ممکن است دچار مشکلات اجتماعی شدیدی شوند، از جمله کاهش تعاملات اجتماعی، افزایش خودکشی و اعتیاد، و کاهش توانایی‌های تحصیلی و شغلی. این مشکلات می‌توانند به طور مستقیم بر جامعه تأثیر بگذارند، زیرا افرادی که از افسردگی و اعتیاد رنج می‌برند، ممکن است نیاز به مراقبت‌های روان‌شناختی و پزشکی داشته باشند که به نوبهٔ خود منجر به فشارهای بیشتری بر سیستم‌های بهداشتی و اجتماعی شود (لیسیتزا و کاگان[18]، ۲۰۲٤).

طبق پژوهشی با عنوان بررسی رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و افسردگی در بین دانش آموزان پسر شهرستان فلاورجان (منتظری و همکاران، ۱۳۹۱)، مشخص شد طرحواره‌های ناسازگاری اولیه به میزان قابل توجهی افسردگی را در کودکان پیش بینی می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که با افزایش نمرات طرحواره‌های تنهایی، آسیب‌پذیری، بی اعتمادی، نقص، شکست، معیارهای سرسختانه و استحقاق، علائم افسردگی دانش آموزان افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه، بررسی دقیق این دورهٔ سنی و اثرات قربانی قلدری شدن بر روی کودکان، می‌تواند به توسعهٔ راهکارهای مؤثری برای پیشگیری و مدیریت این مشکلات کمک کند. این پژوهش با هدف ارائهٔ تصویری روشن از وضعیت موجود و پیشنهاد راهکارهای مناسب برای مقابله با این پدیده انجام شد. شهرستان فلاورجان به عنوان یک نمونهٔ نماینده از جوامع کوچک ایرانی، دارای ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی منحصر به فردی است که آن را به یک مکان مناسب برای انجام این پژوهش تبدیل کرده است. این شهرستان با ویژگی‌های خاص خود می‌تواند اطلاعاتی ارزشمند برای درک بهتر تأثیر قلدری بر کودکان در محیط‌های مشابه فراهم کند (شهبازی، ۱٤۰۰).

فلاورجان به دلیل ترکیب جمعیتی متنوع و گستردگی روابط اجتماعی، یک محیط مناسب برای مطالعهٔ تعاملات اجتماعی و رفتارهای مرتبط با قلدری فراهم می‌کند. تحلیل‌های پیشین نشان داده‌اند که جوامع کوچک و متوسط با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مشابه، بستری مناسب برای بررسی مشکلات مرتبط با قلدری و اثرات آن فراهم می‌کنند (جینی و پوزولی، ۲۰۲۲). همچنین، انتخاب این شهرستان پس از بررسی‌های میدانی، به دلیل وجود نهادهای آموزشی و فرهنگی متعدد، امکان دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه را فراهم می‌کند. مدارس این منطقه از لحاظ جمعیتی و اجتماعی بسیار متنوع هستند و این مسأله به اعتبار یافته‌های پژوهش می‌افزاید. در نهایت، فلاورجان به عنوان یک منطقه‌ای با سطح اقتصادی و اجتماعی متوسط، می‌تواند نمایانگر

[18] Lisitsa and Kagan

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

وضعیت مشابه در سایر مناطق ایران باشد. این مسأله به تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش کمک می‌کند و می‌تواند به تدوین سیاست‌های مؤثر در زمینهٔ پیشگیری و مقابله با قلدری در سطح ملی کمک کند.

از دیگر موارد مربوط به روان انسانی، خلق وخو و تغییراتی است که کودک یا نوجوان، طی قربانی قلدری شدن، درگیر آنها می‌شود. مسلما با توجه به تعاریف مختصری که از قلدری و قربانی قلدری شدن بیان شد، می‌توان حدس زد که کودک یا نوجوانی که مکررا با قلدری مواجه می‌شود، ممکن است تغییرات قابل توجهی در احوالات ظاهری و درونی خود پیدا کند. یکی از نزدیک‌ترین مفاهیمی که قابلیت توصیف این شرایط را دارد، مفهوم افسردگی است. از نشانه‌های بارز افسردگی، می‌توان به احساس غم بسیار زیاد، عصبانیت و بی حوصله بودن، عدم لذت بردن از فعالیت‌های مفرح، کاهش انرژی، بی‌قراری، بی‌اشتهایی، کاهش وزن، کاهش توانایی‌های ذهنی، احساس عدم ارزشمندی و گناه، فکر خودکشی و علائم و دردهای جسمانی می‌باشد (سازمان جهانی بهداشت ، ۲۰۰۸). ارتباط بین قربانی شدن در قلدری و افسردگی می‌تواند به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم تبیین شود. در تبیین اثر مستقیم، قلدری منجر به آسیب‌های روانی و اجتماعی متعددی در قربانیان می‌شود. این آسیب‌ها شامل کاهش اعتماد به نفس، عزت نفس و احساس ارزشمندی است که ممکن است باعث بروز علائم افسردگی شود. قربانیان قلدری اغلب احساس انزوا و طردشدگی می‌کنند که این امر به نوبهٔ خود می‌تواند به افسردگی منجر شود (بالرکا[19]، ۲۰۲۳).

طبق تحقیقات انجام‌شده، افرادی که در معرض قلدری قرار دارند، به‌ویژه در دوران نوجوانی، بیشتر در معرض افسردگی، اضطراب و حتی رفتارهای خودکشی قرار می‌گیرند (بالگا[20]، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، اثر غیرمستقیم قلدری بر افسردگی نیز قابل توجه است. کاهش توانایی‌های اجتماعی و تحصیلی قربانیان، به مشکلاتی در روابط اجتماعی و تحصیلی آنها منجر می‌شود. این کاهش توانایی‌ها اغلب باعث افزایش اضطراب و ناامیدی می‌شود و قربانی را در معرض افسردگی قرار می‌دهد (فرز[21]، ۲۰۲۳). همچنین، قربانیان قلدری که دارای عزت نفس پایینی هستند، بیشتر در معرض ابتلا به افسردگی قرار دارند. این کاهش عزت نفس می‌تواند به واسطهٔ احساس شرم و

[19] Balluerka
[20] Buelga
[21] Ferraz

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

ناامنی ناشی از تجربه‌های منفی اجتماعی باشد که در پی آن قلدری ایجاد می‌کند (ون جیل[۲۲]، ۲۰۱۸).

مطالعات نشان داده‌اند که تنظیم نادرست احساسات شناختی و استفاده از استراتژی‌های مقابله‌ای ناکارآمد نیز می‌تواند تأثیر قلدری بر افسردگی را تشدید کند. به‌طور کلی، استراتژی‌های مقابله‌ای ناکارآمد، تأثیرات منفی بیشتری بر قربانیان قلدری می‌گذارد و به افسردگی آنها دامن می‌زند (لامباردو[۲۳]، ۲۰۲۳). اثرات مخرب مقولهٔ قلدری، احتمالا شخص قربانی را بیشتر تحت فشار و تغییر قرار خواهد داد. برای مثال یه، وو، هه[۲۴]و همکاران (۲۰۲۳) متوجه شدند که خطر افسردگی در کودکان و نوجوانانی که مورد قلدری قرار گرفته‌اند، ۲/۷۷ برابر بیشتر از کسانی است که قربانی نشده‌اند.. کوی و پارک[۲۵](۲۰۲۱) در پژوهشی طولی و بلندمدت نیز در پی یافتن ارتباط قربانی قلدری و افسردگی به یکدیگر بودند، متوجه شدند عدم توجه به تأثیرات قلدری بر افسردگی کودکان می‌تواند پیامدهای جدی برای سلامت روانی و اجتماعی آنها داشته باشد.

کودکانی که قربانی قلدری می شوند، ممکن است دچار انزوای اجتماعی شوند، اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و در معرض خطر بیشتری برای تجربهٔ افسردگی و اضطراب در آینده، قرار گیرند. این مسائل می‌توانند بر عملکرد تحصیلی و روابط بین فردی آنها تأثیر منفی بگذارند و حتی ممکن است به مشکلات رفتاری و سلامتی در بزرگسالی منجر شوند. بنابراین، شناسایی و مداخله در موارد قلدری بسیار مهم است. خود والدین نیز به علت تأثیرات ژنتیکی روی فرزندان و همچنین طرز برخورد و سبک تربیتی، باید مورد توجه قرار بگیرند. والدین، معلمان و متخصصان باید آموزش‌های لازم را دریافت کنند تا بتوانند نشانه‌های هشدار دهندهٔ قلدری را تشخیص دهند و به طور مؤثر به آن پاسخ دهند. این اقدامات نه تنها به سلامت روانی کودکان کمک می‌کند، بلکه به ایجاد جامعه‌ای متعادل‌تر و مهربان‌تر نیز کمک می‌کند. تأثیرات روانی و اجتماعی قربانی قلدری شدن، نه تنها بر فرد، بلکه بر کل جامعه اثرات قابل توجهی دارد. این مسائل می‌توانند بر عملکرد تحصیلی و روابط بین فردی کودکان تأثیر منفی بگذارند و حتی ممکن است به مشکلات رفتاری و سلامتی در بزرگسالی منجر شوند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، این

[22] Van Geel
[23] Lambardo
[24] Ye, Wu, He
[25] Choi, Park

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

مسائل نشان‌دهندهٔ آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تر هستند که از مشکلات فردی ناشی می‌شوند (اسمیت و برین[۲۶]، ۲۰۲۰). به همین دلیل، شناسایی و مداخله در موارد قلدری بسیار مهم است.

والدین، به دلیل تأثیرات ژنتیکی و نقش‌های تربیتی، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. سبک تربیتی والدین می‌تواند نقش تعدیل‌کننده در تأثیرات منفی قلدری داشته باشد. از منظر جامعه‌شناسی، این مسأله به معنای آن است که تربیت خانواده و تأثیرات اجتماعی آن باید به دقت بررسی شود تا بتوان به یک جامعهٔ سالم‌تر و بهتر دست یافت (جونز[۲۷]، ۲۰۲۲). علاوه بر این، والدین، معلمان و متخصصان باید آموزش‌های لازم را دریافت کنند تا بتوانند نشانه‌های هشداردهندهٔ قلدری را تشخیص دهند و به طور مؤثر به آن پاسخ دهند. این اقدامات نه تنها به سلامت روانی کودکان کمک می‌کند، بلکه به ایجاد جامعه‌ای متعادل‌تر و مهربان‌تر نیز کمک می‌کند. به طور کلی، اهمیت این پژوهش در این است که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی کودکان و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه منجر شود (موریسون[۲۸]، ۲۰۲۱).

از سویی دیگر، سنجش شرایط محیط یک خانواده و اینکه والدین کودک یا نوجوان دارای چه نوع شخصیت و سبک تربیتی هستند، می‌تواند یک راهنمای معتبر برای کشف ارتباط متغیرهای این پژوهش باشد. در تعریف روانشناسی از این مفهوم با عنوان سبک دلبستگی والدین[۲۹] یاد می‌گردد. دلبستگی یکی از عوامل تأثیرگذار در تعاملات بین فردی است که سبک آن در دوران کودکی شکل گرفته است و با توجه به محیط تحول فرد، در سنین بعدی نیز ادامه دارد. بالبی[۳۰] دلبستگی را «تمایل انسان‌ها به برقراری پیوندهای عاطفی قوی با فرد خاص» تعریف کرده است. دلبستگی (پیوند عاطفی) بین کودک و مادر، عاملی مؤثر در سلامت روان فرد است. الگوی دلبستگی نخستین بار توسط بالبی معرفی شد. نهایتا توسط هازان و شیور[۳۱] در سه گروه دلبستگی ایمن، دوسوگرا، اجتنابی و برای روابط بزرگسالان دنبال گردید (لطفی و کراسکیان، ۱۴۰۰). در همین راستا اسمیت و جونز [۳۲](۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان (نقش دلبستگی والدین به عنوان یک تعدیل‌گر بر تأثیرات قلدری بر افسردگی و عزت نفس در نوجوانان پیش از بلوغ)، در صدد این

[26] Smith and Brain
[27] Jones
[28] Morison
[29] Attachment styles
[30] Bowlby
[31] Hasan and Shaver
[32] Smith, Jones

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

بوده‌اند که دریابند چگونه حمایت والدین می‌تواند به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده در رابطهٔ بین قربانی شدن از قلدری و نگرش‌های ضد قلدری در نوجوانان عمل کند. یا در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شده است که دلبستگی والدین، به ویژه دلبستگی به مادر، می‌تواند به عنوان یک تعدیل‌گر در رابطهٔ بین قلدری و علائم افسردگی در نوجوانان عمل کند (لی و کیم[۳۳]، ۲۰۲۳). به همین جهت پژوهش حاضر سعی در یافتن ارتباط احتمالی متغیرهای پژوهش دارد.

پیشینهٔ پژوهش

ژیوئامین، ژنگ، ژیائو[۳۴] و همکاران (۲۰۲۳) درپژوهشی با عنوان «ارتباط بین قلدرآزاری در مدارس و وضعیت سلامت روانی دانش‌آموزان نوجوان در چین: یک مطالعهٔ مقطعی کشوری»، پس از تجزیه و تحلیل طبقه‌بندی شدهٔ داده‌های به دست آمده، استدلال کردند که پسرانی با علائم اضطراب و افسردگی و نیز خطرات خودآزاری غیرخودکشی، شامل افراد قلدر، قربانی و قلدر-قربانی هستند. با این حال، برای دختران، قلدری دیگران یا قلدری با علائم اضطراب و افکار خودکشی مرتبط بود. نیکان، جو، التاز[۳۵] و همکاران (۲۰۲۳)در پژوهش «ارتباط بین قربانی شدن در قلدرآزاری، اضطراب و افسردگی در دوران کودکی و نوجوانی: اثر میانجی‌گری عزت نفس»، با بررسی نتایج حاصل از معادلات ساختاری نتیجه گرفتند که قربانی قلدری یک عامل خطر برای ایجاد اضطراب و افسردگی در دوران کودکی و نوجوانی است و همچنین رابطهٔ بین بزه‌دیدگی قلدری و این دو مشکل عاطفی، با عزت نفس مربوط می‌شود. در این پژوهش، نقش متغیر میانجی عزت نفس به ویژه در مورد افسردگی بسیار مهم است، تا جایی که اثر قربانی قلدری بر افسردگی زمانی که با واسطهٔ عزت نفس انجام شود، بیشتر است.

یوآن، هایلانگ، یوسانگ [۳۶]و همکاران (۲۰۲۳) با انجام پژوهشی با موضوع «بدرفتاری در دوران کودکی و سبک فرزندپروری مرتبط با قلدرآزاری مدرسه‌ای در کودکان و نوجوانان چینی: شواهد اپیدمیولوژی تحلیلی»، که در چین انجام شد، به بررسی ارتباط بین بدرفتاری دوران کودکی، سبک فرزندپروری و قلدری در مدرسه در کودکان و نوجوانان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که کودکان و نوجوانانی که مورد بدرفتاری دوران کودکی، به ویژه سوء استفادهٔ عاطفی یا سوء استفادهٔ جنسی قرار گرفته‌اند یا سطح بالاتری از طرد والدین را تجربه کرده‌اند،

[33] Li, Kim
[34] Xiaomin, Zheng and Xiao
[35] Nekane, Joe and Oltaz
[36] Yuan, Hailiang and Yusan

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

بیشتر در معرض قلدری در مدرسه هستند. یافته‌های این پژوهش، بینشی ارزشمند در مورد عوامل پیچیده‌ای که به قربانی قلدری در مدرسه منجر می‌شود، ارائه می‌دهد. جینی، شا و وی [۳۷] و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «ارتباط بین قلدری و مشکلات روان‌تنی: یک فراتحلیل» متوجه شدند که روابط والد–فرزندی در ایجاد روحیات قلدرمآب گونه، اثر قابل توجهی دارد. این مطالعه شیوع و عوامل مرتبط با قلدری قربانیان در بین دانش آموزان دبیرستانی چین را بررسی کرد. نتایج نشان داد که شیوع قلدری قربانیان ۱۱/۵۹٪ بود، که شامل ٤/۰٤٪ قلدری مدرسه، ۳٪/۳۷ قلدری مجازی و ٤/۱۸٪ قلدری ترکیبی بود. همچنین عواملی مانند جنسیت، کیفیت روابط همسالان، وضعیت اقتصادی خانواده و ساختار و کیفیت روابط والد–فرزندی، زیر با قلدری قربانیان در بین دانش آموزان دبیرستانی چین مرتبط هستند.

در پژوهش لطفی و کراسکیان (۱٤۰۰) با عنوان «رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی والدین و سبک‌های دلبستگی فرندان: نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی»، رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی والدین و فرزندان با نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) بررسی شد. در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی والدین و فرزندان، رابطهٔ مستقیم وجود دارد. همچنین، مشخص شد که واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) نقش واسطه‌ای در رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی ایمن والدین و فرزندان دارند. به عبارت دیگر، والدینی که سبک دلبستگی ایمن دارند، فرزندانی با واکنش‌های هیجانی کمتر (افسردگی، اضطراب، استرس) دارند. این امر به دلیل آن است که والدین دارای سبک دلبستگی ایمن، فرزندان خود را به عنوان افرادی ارزشمند و شایستهٔ حمایت می‌بینند و در نتیجه، فرزندان آنها احساس امنیت و اعتماد به نفس بیشتری دارند. این امر می‌تواند به کاهش واکنش‌های هیجانی منفی در فرزندان کمک کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی والدین می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر واکنش‌های هیجانی فرزندان داشته باشند. والدین می‌توانند با ایجاد محیطی حمایتی و پذیرنده در خانواده، به شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ایمن در فرزندان خود کمک کنند. این امر می‌تواند به کاهش واکنش‌های هیجانی منفی در فرزندان و بهبود سلامت روانی آنها کمک کند.

[37] Gini, Sha and Wei

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

ملک نیا، هاشمیان و ابوالمعالی (۱۳۹۹) در پژوهشی «تبیین روابط ساختاری بین کیفیت روابط والد– فرزند و جو عاطفی مدرسه با قلدری در مدرسه: ارزیابی نقش میانجیگر خودپنداره»، به منظور تبیین روابط ساختاری بین کیفیت روابط والد–فرزند و جو عاطفی مدرسه با قلدری در مدرسه با ارزیابی نقش میانجیگر خودپنداره، بیان داشته‌اند که کیفیت رابطهٔ پدر–فرزند با مؤلفه‌های قلدری و زد و خورد قلدری، به صورت منفی و با مؤلفهٔ قربانی آن نیز به صورت منفی همبستگی دارد. کیفیت رابطهٔ مادر–فرزند نیز با قلدری یا قربانی قلدری به صورت منفی همبستگی دارد. در نهایت بین تمام مؤلفه‌های عزت نفس با تمام مؤلفه‌های قلدری به صورت منفی همبستگی مشاهده شد. محمدی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی توصیفی و از نوع همبستگی با عنوان «نقش سبک‌های دلبستگی و خودکارآمدی در پیش بینی قلدری و قربانی شدن دانش آموزان مدارس متوسطه»، متوجه شدند که به نظر می‌رسد ابراز وجود، به طرز معناداری باعث جلوگیری یا کاسته شدن از قربانی قلدری شدن کودک یا نوجوان خواهد شد. محققین در این پژوهش برای سبک‌های دلبستگی از پرسشنامهٔ سبک‌های دلبستگی هازان و شیور استفاده شده است و برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون بهره گرفتند.

اصغرپور و زربخش (۱۳۹۸) در پژوهشی کاربردی و با طرح پژوهشی همبستگی با عنوان «رابطهٔ میان سبک‌های فرزندپروری و قربانی قلدری شدن نوجوانان با نقش میانجیگری پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی»، پس از نمونه‌گیری تصادفی از بین دانش آموزان پایهٔ پنجم این‌گونه استنتاج کرده‌اند که پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی آنان، خطر قربانی قلدری شدن نوجوانان را افزایش می‌دهد. اکبری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش سبک-های دلبستگی و خودکارآمدی در پیش‌بینی قلدری و قربانی شدن دانش آموزان مدارس متوسطه»، نشان داده‌اند بین خودکارآمدی و دلبستگی ایمن با قلدری و قربانی شدن رابطهٔ منفی و معنی‌داری وجود دارد. اصغری شریبانی و بشرپور (۱۳۹۷) با عنوان «نقش میانجی همدلی در رابطهٔ بین کارکردهای خانواده و قلدری در دانش آموزان»، این موضوع را بیان داشته‌اند که کارکرد ضعیف خانواده با همدلی رابطهٔ منفی و معنادار و با رفتارهای مرتبط با قلدری رابطهٔ مثبت و معنادار دارد. همچنین مشخص شد کارکرد ضعیف خانواده به صورت مثبت و معنادار بر رفتارهای مرتبط با قلدری تأثیر دارد. بنابر نتایج این پژوهش، کارکردهای خانواده هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر روی قلدری تأثیرگذار و مؤثر هستند.

راضی مرادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های حل مسأله بر افسردگی و احساس قربانی شدن دانش‌آموزان قربانی قلدری»، با استفاده از روش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

شبه آزمایشی و از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه انجام دادند، دریافتند که آموزش گروهی مهارت‌های حل مسأله به منظور کاهش دادن میزان افسردگی و قربانی شدن دانش‌آموزان قربانی قلدری، در مدارس و آموزشگاه‌ها اثرگذاری قابل توجهی دارد. کرمانی و همکاران (١٣٩٦) در پژوهشی با عنوان «مقایسهٔ قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی»، دریافتند که دختران با افکار خودکشی، نمرات به مراتب بالاتری در رفتارهای قربانی، قلدری، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی کسب می‌کنند. در نهایت، نتایج این پژوهش به نقش مهم متغیرهای قربانی، قلدری، نزاع، استرس، افسردگی و اضطراب بر افکار خودکشی اشاره نموده است. بنابراین با توجه به آسیب‌های جسمی- روان-شناختی زمینه‌ساز قلدری، پیشنهاد می‌گردد در جهت پیشگیری، ارتقاء میزان آگاهی معلمان، والدین و دیگر اولیاء مدرسه، آموزش‌های کاربردی صورت پذیرد. در این پژوهش توصیفی، از نوع علی-مقایسه‌ای بهره گرفته شده است. کاظمی و همکاران (١٣٩٤) در پژوهش خود با عنوان «مقایسهٔ بهزیستی روان‌شناختی والدین کودکان قلدر خشمگین با بهزیستی روان‌شناختی والدین کودکان قربانی قلدری و کودکان عادی شهر تبریز»، به بررسی رابطهٔ بین قلدری و افکار خودکشی در دختران نوجوان پرداخته‌اند.

نتایج پژوهش نشان داد که دختران با افکار خودکشی، نمرات بالاتری در رفتارهای قلدری، قربانی، نزاع، استرس، اضطراب و افسردگی داشتند. این یافته‌ها نشان دهندهٔ نقش مهم قلدری در افزایش افکار خودکشی در نوجوانان است. قلدری یک مشکل جدی در دوران نوجوانی است که می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر سلامت روان و جسمانی نوجوانان داشته باشد. نوجوانانی که قربانی قلدری می‌شوند، بیشتر در معرض ابتلا به افسردگی، اضطراب، استرس و سایر مشکلات روانی هستند. همچنین، آن‌ها بیشتر احتمال دارد که رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و الکل را تجربه کنند. افکار خودکشی نیز یک مشکل جدی در دوران نوجوانی است. نوجوانانی که افکار خودکشی دارند، بیشتر احتمال دارد که اقدام به خودکشی کنند. عوامل مختلفی می‌توانند منجر به افکار خودکشی شوند، از جمله قلدری، مشکلات خانوادگی، مشکلات تحصیلی و سوء مصرف مواد مخدر و الکل. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قلدری یک عامل خطر مهم برای افکار خودکشی در نوجوانان است. بنابراین، ضروری است که اقداماتی برای پیشگیری از قلدری و کاهش افکار خودکشی در نوجوانان انجام شود.

پژوهش‌های پیشین به نقش عوامل مختلف از جمله سبک‌های دلبستگی، خودکارآمدی، رفتارهای والدین، همدلی و آموزش مهارت‌های حل مسأله در قلدری و قربانی شدن دانش‌آموزان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

پرداخته‌اند. با این حال، کمتر مطالعه‌ای به‌طور خاص به بررسی نقش تعدیل‌گر سبک دلبستگی والدین در رابطهٔ قربانی قلدری با عزت‌نفس کودکان پرداخته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این خلأ علمی، تلاش می‌کند تا علاوه بر تأیید یافته‌های پیشین، به بررسی دقیق‌تر نقش سبک دلبستگی والدین در این رابطه بپردازد و با ارائهٔ بینش‌های جدید، راهکارهایی برای کاهش پیامدهای منفی قلدری ارائه دهد.

چارچوب نظری

الویوس [۳۸](۱۹۹۳) قلدری را به عنوان یک سلسله رفتارهای منفی و تکرارشونده تعریف کرده است که در طول زمان اتفاق می‌افتند و شامل زدن، لگد زدن، تهدید کردن، بیان الفاظ ناپسند و رفتارهای آزاردهنده می‌شود. این رفتارها معمولاً با نیت آسیب‌رسانی به فرد دیگری صورت می‌گیرند و می‌توانند تأثیرات منفی عمیقی بر سلامت روانی و جسمانی قربانیان داشته باشند. قلدری نه تنها به کودک یا نوجوان آسیب می‌رساند، بلکه بر تعاملات اجتماعی و عزت‌نفس او تأثیرات منفی نیز می‌گذارد و باعث کاهش کیفیت زندگی اجتماعی و روانی فرد می‌شود. افسردگی یکی از مهم‌ترین پیامدهای روانی قربانیان قلدری است. در روان‌شناسی، افسردگی حالتی هیجانی است که منجر به کاهش قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه فرد می‌شود. در روانپزشکی، افسردگی به وجود یک سندرم یا نشانگان آشکار در فرد اطلاق می‌شود که کارکرد عادی او با اختلال مواجه می‌گردد (سادوک [۳۹]و سادوک، ۱۳۹۱). قربانیان قلدری معمولاً با مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب، استرس، و کاهش عزت‌نفس مواجه می‌شوند که بر توانایی‌های اجتماعی و تحصیلی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. یکی از عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش آسیب‌های ناشی از قلدری، سبک دلبستگی فرد به والدین است.

گالون و رابینسون [۴۰](۲۰۰۵) دلبستگی والدین را به معنای ایجاد و حفظ پیوند عاطفی عمیق با افراد خاص در زندگی فرد تعریف می‌کنند. در این رابطه، فرد از تعامل با والدین خود احساس شعف و سرزندگی به دست می‌آورد و در هنگام بروز تنش، در کنار آن‌ها احساس آرامش می‌کند. این پیوند عاطفی می‌تواند به عنوان یک محافظ در برابر آسیب‌های روانی ناشی از قلدری عمل کند. کودکانی که دلبستگی ایمن به والدین خود دارند، توانایی بیشتری برای مقابله با چالش‌های اجتماعی، از جمله قلدری، خواهند داشت (بالبی، ۱۹۶۹). در پژوهش‌های مختلف، نشان داده شده

[38] Olweus
[39] Sadock
[40] Gullone and Robinson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

است که سبک دلبستگی ایمن با عزت‌نفس بالاتر و آسیب‌پذیری کمتر در برابر قلدری ارتباط دارد. در حالی که سبک‌های دلبستگی ناایمن، مانند دلبستگی اضطرابی یا اجتنابی، ممکن است احتمالا کودک را در معرض خطر بالاتری برای تجربه قربانی قلدری قرار دهند. همچنین، به نظر می رسد ارتباط مستقیمی بین عزت‌نفس و توانایی مقابله با قلدری وجود دارد، به‌طوری که افراد با عزت‌نفس بالا احتمالاً با قلدری مقابله می‌کنند و تأثیرات منفی آن را کمتر احساس می‌کنند.

این چارچوب نظری به‌طور کلی نقش اساسی دلبستگی والدین و عزت نفس در تأثیرات قلدری بر سلامت روانی و اجتماعی فرد را روشن می‌سازد. پژوهش حاضر به بررسی این نقش‌ها و ارتباطات بین آن‌ها در میان کودکان قربانی قلدری می‌پردازد. بر اساس نظریه‌های فوق، انتظار می‌رود که سبک دلبستگی ایمن و عزت‌نفس بالا، به‌عنوان عوامل محافظتی در برابر آسیب‌های قلدری عمل کنند.

فرضیهٔ پژوهش

بین قربانی قلدری شدن با افسردگی با نظر گرفتن نقش تعدیگر والدین در دانش آموزان ده تا دوازده سال شهرستان فلاورجان رابطه وجود دارد

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی است و با در نظر گرفتن موضوع پژوهش که رابطهٔ بین قربانی قلدری و افسردگی بر اساس نقش تعدیلگر دلبستگی والدین است، روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی با نقش متغیر تعدیلگر می‌باشد. پژوهش از این منظر که نظرات دانش آموزان را پیرامون قربانی قلدری، افسردگی و نقش دلبستگی والدین، مورد بررسی قرار خواهد داد، توصیفی است. جامعهٔ مورد نظر در پژوهش حاضر شامل همهٔ دانش آموزان ده تا دوازده سال در همهٔ مدارس شهرستان فلاورجان (شامل شهرهای فلاورجان، کلیشاد و سودرجان، شهر ابریشم، قهدریجان، اشترجان و میانادشت) و نیز اولیای آن‌ها به منظور تکمیل پرسشنامهٔ سبک دلبستگی والدین بوده است که تعداد آن‌ها بر طبق آمار گرفته شده از آموزش و پرورش کل شهرستان فلاورجان حدود ۱۱۰۰۰ نفر می‌باشد. این پژوهش در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ صورت پذیرفت. تعداد نمونه در پژوهش حاضر براساس جامعهٔ آماری، طبق جدول مورگان تعداد ۳۷۴ نفر بود که از روش نمونه‌گیری در دسترس برای جمع آوری داده‌ها استفاده شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، به صورت میدانی و از طریق توزیع پرسشنامهٔ برخط بود. برای سنجش متغیر قربانی قلدری و سنجش قربانی قلدری شدن در دانش‌آموزان از مقیاس قربانی قلدری کالیفرنیا[41] (دبیری، ۱۳۹۴) استفاده شد. این ابزار اشکال متفاوت قربانی قلدری شدن را بدون به کاربردن اصطلاح قلدری و تعریف آن برای دانش‌آموزان، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این مقیاس به منظور تفکیک قربانی قلدری، از قربانی توسط همسالان که وسیع‌تر است، به ملاک‌های قلدری، عمدی بودن، عدم توازن قدرت و رویدادهای مکرر در یک دورهٔ زمانی، به طور خاص توجه شده است. این پرسشنامه شامل دوازده آیتم است که قربانی شدن، عدم توازن قدرت، مکان و زمان قربانی شدن را در ساعات مدرسه و این‌که فرد قربانی شدن خود را با چه کسی درمیان می‌گذارد، مورد سنجش قرار می‌دهد. نمرهٔ کل قربانی شدن از طریق جمع نمرات مؤلفهٔ رفتار قربانی شدن محاسبه می‌شود. ضریب پایایی این مقیاس به شیوهٔ بازآزمایی به فاصلهٔ دو هفته (۰/۸۳) و روایی پیش بین از طریق همبستگی با آزمون رضایت از زندگی دانش‌آموزان (۰/۶۸-) به دست آمد (دبیری، ۱۳۹۴).

برای سنجش متغیر افسردگی در کودکان، از پرسشنامهٔ افسردگی کودکان ماریا کواس[42] استفاده شد. یک ابزار خود گزارشی بیست و هفت مؤلفه‌ای است که جهت ارزیابی نشانه‌های افسردگی در کودکان و نوجوانان استفاده می‌شود. مؤلفه‌های این پرسشنامه هر نشانه‌ای را که می‌تواند مختص افسردگی دورهٔ کودکی باشد، ارزیابی می‌کند. به عنوان مثال: خود ارزیابی ضعیف، خلق پایین و مشکلات بین فردی از جملهٔ آن‌ها هستند. این پرسشنامه شامل پنج خرده مقیاس است که عبارتند از: خلق منفی و پائین، احساس ناکارآمدی، فقدان احساس لذت‌جویی، مشکلات بین فردی و عزت نفس پایین. روایی این پرسشنامه در ایران از روش بازآزمایی (۰/۸۲) و پایایی آن (۰/۷۵) به دست آمده است (نوروزی و احمدی، ۱۴۰۱). در انتها و برای سنجش متغیر سبک‌های دلبستگی بزرگسالان از مقیاس هازان و شیور[43] استفاده شده است. مقیاس سبک‌های دلبستگی در سال (۱۹۸۷) توسط هازان و شیور طراحی شده است. این فرم دارای ۳۶ سؤال می‌باشد (هازان و شیور، ۱۹۸۷). در ایران، فرم ۱۵ سؤالی این مقیاس با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازان و شیور ساخته شده است و در دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است.

41 The California Bullying Victimization Scale
42 Maria Kovacs questionnaire
43 Hisen and Shiver scale

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

این آزمون ۱۵ سؤالی، سه سبک دلبستگی اجتنابی، ایمن و دوسوگرای اضطرابی را می‌سنجد (دوست محمدی، ۱۳۸۹ و فرزادی (۱۳۹٤) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسشنامه را از طریق روش آلفای کرونباخ و تنصیف، به ترتیب برای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی (۰/۸٤) و (۰/۸۵)، سبک دلبستگی ایمن (۰/۸۲) و (۰/۸۱)و برای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرای اضطرابی (۰/۸۳) و (۰/۷۱) گزارش نموده است. همچنین اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی (RMSEA-۰/۰۹۷) در حد مطلوبی گزارش نموده است.

برای انجام این پژوهش، پس از ایجاد پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین و کسب اجازه و دریافت نامه از ادارهٔ آموزش و پرورش شهرستان فلاورجان، لینک مورد نظر در اختیار مدیران و معلمان مدارس ناحیهٔ مربوط قرار گرفت. پرسشنامه‌های قلدری، عزت نفس و افسردگی توسط دانش-آموزان دورهٔ دوم ابتدایی که بین سنین ده تا دوازده سال هستند، تکمیل گردید و سپس پرسشنامهٔ سبک دلبستگی والدین، به وسیلهٔ یکی از والدین دانش آموز مورد نظر که دو پرسشنامهٔ قربانی قلدری و افسردگی کودکان را پر کرده است، تکمیل شد. سپس داده‌های مورد نظر به تعداد نمونه-ها، یعنی ۳۷٤ نفر، به منظور تحلیل داده‌ها، در اختیار تحلیل‌گر آماری قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش براساس روش رگرسیون چندگانه ساده و همچنین همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک طرفه انجام شد. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. همچنین برای توصیف و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. مدل مفهومی تحقیق با استفاده از تحلیل مسیر برازش یافت که با استفاده از نرم افزار AMOS نسخه ۲٤ انجام گردید. در این پژوهش سعی شده است از پژوه های گوناگونی که بهره گرفته شده است، ذکر منبع رعایت گردد تا حق معنوی صاحبان پژوهش زایل نگردد. همچنین برای جمع آوری پرسشنامه نیز به مصاحبه شوندگان اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی بماند و در اختیار کسی قرار نگیرد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد. با استفاده از تحلیل مسیر به بررسی فرضیات تحقیق پرداخته شده است. برای آزمودن فرضیات این تحقیق، ابتدا مدل مفهومی تحقیق با استفاده از تحلیل مسیر برازش می‌یابد. سپس مناسبت این مدل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت پذیرفته شدن مناسبت، از نتایج آن برای استنتاج دربارهٔ فرضیه‌های پژوهش استفاده خواهد شد. در جدول زیر توصیف آماری متغیرها ارائه شده است.

جدول شمارهٔ یک: توصیف اصلی متغیرهای آماری

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
قربانی قلدری	۲۰۰	۳۳/۵۰	٤/۱۷	۰/۰۱	۰/۱۵	۲۲/۰۰	٤٤/۰۰
افسردگی	۲۰۰	۲۰/٦۹	۳/۲٦	-۰/۰۸	-۰/۰۲	۱۱/۰۰	۲۹/۰۰
سبک دلبستگی	۲۰۰	٦٦/۳۵	۵/۹۹	۰/۲۹	۰/۲۹	۵۰/۰۰	۸۲/۰۰

جدول شمارهٔ دو- ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی‌داری

		قربانی قلدری	افسردگی	سبک دلبستگی
ضریب همبستگی پیرسون	قربانی قلدری	۱	-۰/۰۱٦	۰/۲۸۸**
	افسردگی	-۰/۰۱٦	۱	۰/۲۱۰**
	سبک دلبستگی	۰/۲۸۸**	۰/۲۱۰**	۱
سطح معنی‌داری	قربانی قلدری		۰/۸۲۷	۰/۰۰۰
	افسردگی	۰/۸۲۷		۰/۰۰۳
	سبک دلبستگی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	

در مواردی که سطح معنی‌دار کمتر از ۰/۰۵ باشد، با علامت یک ستاره در کنار ضریب همبستگی مشخص شده است، ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است و ارتباط معنی-

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

داری بین دو متغیر وجود دارد، در مواردی که سطح معنی‌دار کمتر از ۰/۰۰۱ است، ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است که با علامت دو ستاره مشخص شده است. باتوجه به نتایج به دست آمده، ملاحظه می‌شود که بین قربانی قلدری و افسردگی و همچنین عزت نفس رابطهٔ معنی‌دار وجود دارد و همچنین بین اهداف عزت نفس و سبک دلبستگی و همچنین افسردگی، رابطهٔ معنی‌دار وجود دارد.

جدول شمارهٔ سه- نتایج تحلیل مسیر: بررسی نقش تعدیلگر دلبستگی والدین در رابطهٔ قربانی قلدری با افسردگی

مسیر	ضریب مسیر استاندارد شده	خطای معیار	آمارهٔ تی	سطح معنی‌داری
قربانی قلدری← افسردگی← سبک دلبستگی والدین	۰/۲۵۸	۰/۰۵	٤/٥٢٤	۰/۰۰۰
قربانی قلدری←افسردگی	۰/۵۰٤	۰/۰۰۱	٤۹۸/۳۲۲	۰/۰۰۰
قربانی قلدری← سبک دلبستگی	۰/۱۸	۰/۰٦٥	۳/۱۷۲	۰/۰۰۲
افسردگی← سبک دلبستگی	۰/۲۳	۰/۰۷۳	۳/٤۱٥	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج تحلیل داده‌ها و به منظور بررسی این فرضیه، بر اساس مدل دوم تحلیل مسیر انجام شده، مشاهده می‌شود که بین قربانی قلدری شدن با افسردگی با در نظر گرفتن متغیر تعدیلگر دلبستگی والدین، رابطه وجود دارد و همچنین بین قربانی قلدری شدن با افسردگی و قربانی قلدری با سبک دلبستگی و نیز افسردگی با سبک دلبستگی در دانش‌آموزان ده تا دوازده سال شهرستان فلاورجان رابطه وجود دارد (سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵). بنابراین درسطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در نتایج تحلیل داده‌های این پژوهش، رابطهٔ معناداری بین قربانی قلدری شدن و تغییرات شاخص‌های افسردگی مشاهده شد. این ارتباط معنادار با الگوی سبک دلبستگی والدین گره خورده بود. نتایج پژوهش هسکت و جانسون[44] (۲۰۱۳) نیز با این نتایج همسو بوده است. به

[44] Haskett, Johnson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

عبارت دیگر، کودکی که غالباً توسط همسالان قربانی قلدری می‌شود، به احتمال بیشتری به سمت افسردگی سوق داده می‌شود، به‌ویژه زمانی که در والدین او علائم گرایش به سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی یا دوسوگرا) مشاهده می‌شود. تجربهٔ قلدری می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر روی ساختار روانی کودکان داشته باشد. تجربهٔ قلدری شدن می‌تواند به عنوان یک عامل استرس‌زا عمل کند که سیستم عصبی را تحت فشار قرار می‌دهد و ممکن است منجر به اختلالات خلقی مانند افسردگی شود. این اثرات می‌توانند به دلیل تغییرات هورمونی ناشی از استرس مزمن باشند که بر سطوح سروتونین و دیگر ناقل‌های عصبی تأثیر می‌گذارند، که همگی در تنظیم خلق و خو نقش دارند (کارپنتر و نلسون[۴۵]، ۲۰۱۷).

نتایج پژوهش مشخص کرد قربانی قلدری شدن، قویا در تشدید نشانه‌های افسردگی مؤثر است. پر واضح است که اعمال رفتارهای قلدری در گام‌های نخستین کناره‌گیری و انفعال فرد مورد قربانی را در پی دارد. تکرر این وقایع در ذهن کودک، احتمالا منجر به انزواطلبی و دوری از جمع دوستان است تا پیشاپیش از مورد قربانی شدن، جلوگیری کند. این موضوع زمانی، شدت پیدا می‌کند که خود کودک روحیهٔ درونگرایانه‌تری داشته باشد و به طور ذاتی نیازی به درگیری-های چالش برانگیز اجتماعی پیدا نمی‌کند؛ خواه در مقولهٔ قلدری یا مقوله‌های مشابه دیگری. علاوه بر افسردگی، قربانی قلدری می‌تواند پیامدهای روانی منفی دیگری مانند اضطراب، عزت نفس پایین و احساس تنهایی و انزوا را نیز به دنبال داشته باشد (وانگ[۴۶]،۲۰۲۰). این پیامدها می‌توانند در بلندمدت بر سلامت روان و عملکرد تحصیلی و اجتماعی فرد قربانی تأثیر منفی بگذارند (بلایا[۴۷]، ۲۰۲۱).

علاوه بر این، تحقیقات نشان داده‌اند که حمایت اجتماعی و مداخلات روانشناختی می‌توانند نقش مهمی در کاهش اثرات منفی تجربهٔ قلدری و پیشگیری از افسردگی در کودکان داشته باشند. برنامه‌های مداخله‌ای که بر تقویت مهارت‌های اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و توسعهٔ شبکه‌های حمایتی تمرکز دارند، می‌توانند به کودکان کمک کنند تا با چالش‌های ناشی از قلدری به شیوه‌ای سازنده‌تر مقابله کنند و از پیامدهای طولانی‌مدت آن محافظت شوند. این نوع مداخلات

[45] Carpenter and Nelson

[46] Wang

[47] Blaya

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

می‌تواند به عنوان بخشی از یک رویکرد جامع برای مقابله با قلدری و افسردگی در محیط‌های آموزشی و خانوادگی به کار رود. البته، در ادامه می‌توان افزود که سبک‌های دلبستگی ناایمن والدین، به‌ویژه زمانی که با رفتارهای قلدری همسالان همراه می‌شوند، می‌توانند به عنوان عوامل تشدیدکننده افسردگی در کودکان عمل کنند. این عوامل می‌توانند منجر به ایجاد یک چرخهٔ معیوب شوند که در آن کودکان به دلیل تجربیات منفی مداوم، احساس بی‌ارزشی و ناامیدی می‌کنند و این احساسات منفی به نوبهٔ خود، احتمال مواجهه با رفتارهای قلدری بیشتر را افزایش می‌دهند.

سبک دلبستگی والدین نقش مهمی در توانایی کودک برای مقابله با قلدری دارد. والدین با دلبستگی ایمن می‌توانند به کودکان خود حمایت عاطفی و راهنمایی‌های لازم را ارائه دهند تا با تجربیات منفی مانند قلدری مقابله کنند. در مقابل، والدین با دلبستگی ناایمن ممکن است نتوانند پشتیبانی کافی را فراهم کنند، که این امر می‌تواند به تشدید نشانگان افسردگی در کودک و افزایش آسیب‌پذیری او در برابر قلدری منجر شود. یافته‌های تحقیقاتی بر اهمیت مداخلات پیشگیرانه و درمانی برای کودکانی که مورد قلدری قرار می‌گیرند تأکید دارند. این مداخلات باید به سلامت روان، آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با قلدری و بهبود روابط اجتماعی او کمک کنند. علاوه بر این، برنامه‌های آموزشی برای والدین می‌تواند به آن‌ها در ایجاد روابط امن و حمایتی با فرزندان‌شان کمک کند، که این امر می‌تواند به کاهش اثرات منفی قلدری بر روی کودکان منجر شود. کودکان با والدین دارای سبک دلبستگی ناایمن ممکن است در تشخیص و بیان نیازهای عاطفی خود دچار مشکل شوند. این کودکان ممکن است یاد نگیرند که چگونه به طور مؤثر با استرس و فشارهای روانی مقابله کنند، زیرا آن‌ها اغلب از حمایت و راهنمایی لازم از سوی والدین خود محروم هستند. این کمبود حمایت می‌تواند به احساس ناامنی و ترس از طرد شدن منجر شود، که این خود می‌تواند بر توانایی کودک برای برقراری روابط اجتماعی سالم تأثیر بگذارد.

برای کمک به کودکانی که با والدین ناایمن بزرگ می‌شوند، مداخلات تربیتی می‌توانند نقش کلیدی ایفا کنند. برنامه‌های آموزشی و حمایتی که بر تقویت مهارت‌های والدینی و ایجاد فضای امن و حمایتی در خانه تمرکز دارند، می‌توانند به والدین کمک کنند تا سبک دلبستگی ایمن‌تری را توسعه دهند. این امر می‌تواند به کودکان کمک کند تا احساس امنیت بیشتری داشته باشند و در نتیجه، توانایی مقابله با چالش‌های زندگی را بهبود بخشند. این مداخلات همچنین می‌توانند به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

کودکان کمک کنند تا مهارت‌های اجتماعی مثبت‌تری را کسب کنند و در محیط‌های تحصیلی و اجتماعی بهتر عمل کنند. قلدری می‌تواند تأثیرات منفی قابل توجهی بر روابط اجتماعی و پیشرفت تحصیلی داشته باشد. کودکانی که قربانی قلدری می‌شوند ممکن است از مشارکت در فعالیت‌های گروهی اجتناب کنند و این امر می‌تواند منجر به از دست دادن فرصت‌های یادگیری و توسعهٔ مهارت‌های اجتماعی شود. همچنین، این کودکان ممکن است در مدرسه کمتر مشارکت کنند و این می‌تواند بر عملکرد تحصیلی آنها تأثیر منفی بگذارد.

منابع

۱. اصغرپور، زهرا ومحمدرضا زربخش (۱۳۹۸) «رابطهٔ میان سبک‌های فرزندپروری و قربانی قلدری شدن نوجوانان با نقش میانجیگری پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی»، **خانواده و پژوهش**، ۱۶(۲): ۲۷-۴۶.

۲. اصغری شریبانی، عباس و سجاد بشرپور (۱۳۹۷) «نقش میانجی همدلی در رابطهٔ بین کارکردهای خانواده و قلدری در دانش آموزان»، **روانشناسی خانواده**، ۵(۲): ۱۵-۲۶.

۳. اکبری بلوطبنگان، افضل؛ نیکدل، افضل؛ ملتفت، قوام و فاطمه عبدپور (۱۳۹۸) «نقش سبک‌های دلبستگی و خودکارآمدی در پیش‌بینی قلدری و قربانی شدن دانش‌آموزان مدارس متوسطه»، **رویش روان‌شناسی**، ۸(۵): ۸۵-۹۲.

۴. برک، لورا، ای (۱۳۸۷) روان‌شناسی رشد، ترجمهٔ یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.

۵. دبیری، سولماز (۱۳۹۴) «**اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی براساس مدل فلنر بر تاب-آوری، خودکارآمدی، سازگاری اجتماعی تحصیلی و میزان قربانی شدن دانش‌آموزان قربانی قلدری در مدرسه با توجه به اهداف پیشرفت اجتماعی**»، رسالهٔ دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکدهٔ روانشناسی، دانشگاه تبریز.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

٦. دوست محمدی، یحیی (١٣٨٩) «**بررسی رابطهٔ سبک‌های دلبستگی و ابعاد سه گانهٔ عشق با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل شاغل در آموزش و پروزش شهر شهریار در سال تحصیلی ٨٩-٨٨**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد مشاورهٔ خانواده، دانشگاهٔ علامه طباطبایی.

٧. راضی مرادی، محمد؛ ظفر، مسعود و علی حسین رضایی (١٣٩٦) «اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های حل مسأله بر افسردگی و احساس قربانی شدن دانش‌آموزان قربانی قلدری»، **روانشناسی و روانپزشکی شناخت**، ٤(١): ٧٦-٨٨.

٨. سادوک، بنجامین جیمز و ویرجینیا سادوک (١٣٩١) **خلاصهٔ روانپزشکی: علوم رفتاری - روانپزشکی بالینی**، ترجمهٔ حسن رفیعی و خسرو سبحانیان، تهران: ارجمند.

٩. شهبازی، فاطمه (١٤٠٠) «اهمیت اجتماعی و فرهنگی شهرستان فلاورجان»، **روانشناسی تحولی**، دورهٔ ١٨، شمارهٔ ٧١: ١٨١-١٩٢.

١٠. فرزادی، فاطمه (١٣٩٤) «**رابطهٔ علی شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با بی‌انضباطی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی با میانجی‌گری خودتنظیمی هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و ذهن‌خوانی در شهر اهواز**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

١١. کاظمی، سپیده؛ بیرامی، منصور و یزدان موحدی (١٣٩٤) «مقایسهٔ بهزیستی روان‌شناختی والدین کودکان قلدر خشمگین با بهزیستی روان‌شناختی والدین کودکان قربانی قلدری و کودکان عادی شهر تبریز»، پژوهش توانبخشی در پرستاری: ١ (٣) :٧٥-٦٥.

١٢. کرمانی مامازندی، زهرا؛ نجفی، محمود و افضل اکبری بلوطبنگان (١٣٩٦) «مقایسهٔ قلدری، قربانی، نزاع، اضطراب، استرس و افسردگی در دو گروه دختران با و بدون افکار خودکشی»، **مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان**، ١٥(٤): ٧٩.

١٣. لطفی، سعید و آدیس کراسکیان موجمباری (١٤٠٠) «رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی والدین و سبک‌های دلبستگی فرندان: نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی»، **پرستار و پزشک در رزم**، ٩(٣٠): ٤٤-٥٣.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

۱۴..محمدی، محمد؛ فرید، ابوالفضل؛ حبیبی کلیبر، رامین و جواد مصرآبادی (۱۳۹۹) «اثربخشی آموزش ابراز وجود بر میزان قربانی شدن دانش‌آموزان پسر قربانی قلدری»، **علوم روانشناختی**، ۱۹(۹۶): ۱۶۴۷-۱۶۵۴.

۱۵. ملک نیا، آرزو؛ هاشمیان، کیانوش و خدیجه ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۹) «تبیین روابط ساختاری بین کیفیت روابط والد- فرزند و جو عاطفی مدرسه با قلدری در مدرسه: ارزیابی نقش میانجیگر خودپنداره»، **پژوهش در نظام‌های آموزشی**، ۱۴(۵۰): ۵۷.

۱۶. منتظری، محمدصادق، کاوه فارسانی، ذبیح الله؛ مهرابی، حسینعلی و عباس شکیبا (۱۳۹۱) «بررسی رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و افسردگی در بین دانش‌آموزان پسر شهرستان فلاورجان»، **دانشگاه علوم پزشکی مازندران**، دورهٔ ۲۲، شمارهٔ ۹۸: ۱۷۹-۱۸۸.

۱۷. نوروزی، دنیا و مهرناز احمدی (۱۴۰۱) «رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی و صمیمیت والدین با افسردگی کودک: نقش واسطه‌ای حرمت خود»، **روانشناسی تحولی**، دورهٔ ۱۸، شمارهٔ ۷۱: ۱۹۲-۱۸۱.

18. Balluerka, N., Gómez, J., & Sierra, B. (2023) «The impact of bullying on adolescent depression and social anxiety». **Journal of Adolescence**, 56:112-123.

19. Blaya, C., Andreu, M. J., & Ortega-Ruiz, R. (2021) «Bullying and internalizing symptoms in adolescents: A systematic review and meta-analysis of longitudinal studies». **Journal of Adolescent Health**, 68(5): 619-630.

20. Buelga, S., Pons, J., & Torralba, E. (2022) «Cyberbullying and depression in adolescents: The mediating role of self-esteem», **Computers in Human Behavior**, 122, 106855.

21. Carpenter, G., & Nelson, K. (2017) «Chronic stress and mood regulation: Neurochemical impacts of bullying». **Journal of Child Psychology**, 35(4): 243-260.

22. Choi, B., & Park, S. (2021) «Bullying Perpetration, Victimization, and Low Self-esteem: Examining Their Relationship over Time». **Journal of Youth and Adolescence**, 50(4): 739-752

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

23. Copeland, W. E., et al. (2021) «Adult Psychiatric Outcomes of Bullying and Being Bullied by Peers in Childhood and Adolescence». **JAMA Psychiatr**.70 (4), 419-426.

24. Dwiningrum, S. I. A., Wahab, N. A., & Haryanto, H. (2020) «Creative Teaching Strategy to Reduce Bullying in Schools». **International Journal of Learning, Teaching and Educational Research**, 19(4). https://doi.org/10.26803/ijlter.19.4.20

25. Ferraz de Camargo, L., & Rice, K. (2023) «Bullying victimization CBT: A proposed psychological intervention for adolescent bullying victims». **Frontiers in Psychology**, 14, 1122843.

26. Gini, G., & Pozzoli, T. (2022) **Association between bullying and psychosomatic problems: A meta-analysis**. Pediatrics. 24(1), 35-42.

27. Gullone, E. & Robinson, K. (2005) «The Inventory of Parent and Peer Attachment-Revised (IPPA-R) for Children: A Psychometric Investigation». **Clinical Psychology and Psychotherapy**. 12, 67-89.

28. Haskett, D., & Johnson, G. (2013) «The relationship between bullying victimization and depression: The moderating role of parental attachment styles». **Journal of Child Psychology and Psychiatry**, 54(2), 123-140.

29. Hazan, C., & Shaver, P. (1987) «Romantic love conceptualized as an attachment process», **Journal of Personality and Social Psychology**, 42, 511-542.

30. Jina Li, Sha Sha, Wei Luo, Wei Zhou, Yan Dong, Shengfa Zhang, (2023), «Prevalence and associated factors of bullying victimization among Chinese high school students in Shandong, China», **Journal of Affective Disorders**, Volume 323, 2023, Pages 667-674.

31. Jones, R. (2022) «Support Systems and Anti-Bullying Cultures». **Educational Research Journal,** 45(3), 123-145.

32. Lee, A. H., & Kim, S. J. (2023) «Parental attachment as a moderator of the effects of bullying on depression and self-esteem in preadolescents». **Child Development,** *9*4(1), 45-60.

33. Lissitsa, S., & Kagan, M. (2024) «The enduring echoes of juvenile bullying: The role of self-esteem and loneliness in the relationship between bullying and social media addiction across generations X, Y, Z». **Frontiers in Psychology**, 15, 1446000.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

34. Li, L., Chen, X., & Li, H. (2020) «Bullying victimization, school belonging, academic engagement and achievement in adolescents in rural China: A serial mediation model». **Children and Youth Services Review**, 104946. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.104946.

35. Lombardo, C., & Menesini, E. (2023) «Cognitive emotion regulation as a mediator between bullying and depression in adolescents». **Children**, 10(12), 1897.

36. Morrison, L. (2021) «Sociological Perspectives on Bullying». **Social Science Review**, *48*(2), 123-140.

37.Nekane Balluerka, Jone Aliri, Olatz GoÃ±i-Balentziaga, Arantxa Gorostiaga, (2023) «Association between bullying victimization, anxiety and depression in childhood and adolescence: The mediating effect of self-esteem», **Revista de PsicodidÃ¡ctica** (English ed.), Volume 28, Issue 1, 2023, Pages 26-34, ISSN 2530-3805, https://doi.org/10.1016/j.psicoe.2022.11.001.

38. Olweus, D. (2022) **Bullying at School: What We Know and What We Can Do**. Wiley-Blackwell.

39. Olweus, D. (1993) **Bullying at school: What we know and what we can do**. Blackwell Publishing.

40. Paez, G. R. (2020) «School safety agents' identification of adolescent bullying». **Children and Youth Services Review**, 104942. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.104942

41. Ryan, R. M., & Shin, H. (2021) «Peer Relationships and Adjustment at School: An introduction. In A. M. Ryan & G. W. Ladd» (Eds**.), Peer relationships and adjustment at school** (pp. 1–7). IAP Information Age Publishing.

42. Smith, J., & Brain, M. (2020) «The Impact of Bullying on Children», **Journal of Child Psychology**, 52(4), 567-580.

43. Smith, J. A., & Jones, M. B. (2024) «The moderating role of parental attachment styles in the relationship between bullying victimization and self-esteem in children». **Journal of Child Psychology and Psychiatry,** 65(1), 45-60.

44. Ttofi, M. M., Farrington, D. P., & Lösel, F. (2021) «The predictive efficiency of school bullying versus later offending: A systematic/meta-analytic review of longitudinal studies». **Criminal Behaviour and Mental Health**, 21(2), 80–89.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]

45. Eccles, J. S. (2020) «The Development of Children Ages 6 to 14», **Future of Children**, 9(2), 30–44.

46. van Geel, M., Vedder, P., & Tanilon, J. (2018) «Relationship between peer victimization, cyberbullying, and depression in adolescents: A meta-analysis». **Journal of Adolescence**, 44: 245-259.

47. Wang, J., Nansel, T. R., & Iannotti, R. J. (2020) «Bullying victimization and mental health: A systematic review and meta-analysis of longitudinal studies». **JAMA Pediatrics**, 174(11), 1082-1091.

48. Wentzel, K. R., & Muenks, K. (2019) **Social Influences on Positive Youth Development**. Handbook of Adolescent Development.

49. Xiaomin Luo, Ruimin Zheng, Pei Xiao, Xinyan Xie, Qi Liu, Kaiheng Zhu, Xiaoqian Wu, Zhen Xiang, Ranran Song (2023) «Relationship between school bullying and mental health status of adolescent students in China: A nationwide cross-sectional study», **Asian Journal of Psychiatry**, Volume 70, 2022, 103043,1876-2018.

50. Ye, Z., Wu, D., He, X., Ma, Q., Peng, J., Mao, G., Feng, L., & Tong, Y. (2023) «Meta-analysis of the relationship between bullying and depressive symptoms in children and adolescents». **BMC Psychiatry**, 23(1), 215.

51. Yuan Xiao, Hailiang Ran, Yusan Che, Die Fang, Sifan Wang, Lin Chen, Xuemeng Liang, Junwei Peng, Hao Sun, Qiongxian Li, Yuanyu Shi, Jin Lu, (2023) «Childhood maltreatment and parenting style associated school bullying in Chinese children and adolescents: An analytical epidemiology evidence», **Journal of Affective Disorders**, Volume 331, 2023, Pages 386-392, ISSN 0165-0327, https://doi.org/10.1016/j.jad.2023.02.153.

52. World Health Organization. (2008) **The world health report 2008: Primary health care now more than ever**. World Health Organization. Available at: https://iris.who.int/bitstream/handle/10665/69863/WHO_IER_WHR_08.1_eng.pdf;sequence=1:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/scds.13.1.36]